

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

[www.afgazad.com](http://www.afgazad.com)

[afgazad@gmail.com](mailto:afgazad@gmail.com)

Political

سیاسی

نشریه رنجیر-شماره ۱۵۸  
۰۷ جولای ۲۰۱۸

## تنها شاهراه درست موجود کنونی

گسترش وسیع ترین آزادی های سیاسی و اجتماعی از پائین ترین اقشار جامعه که در برگرفته اکثریت عظیم توده های ستمدیده و استثمار شده باشد ، تنها راه برون رفتن از بحران عظیم کنونی ایران است که می تواند رژیم حاکم را براندازد و از تجاوز و سلطه امپریالیست ها جلو گیرد و به سود پیشرفت و ترقی مردم ایران و منطقه و صلح جهانی باشد . کمونیستها باید از طریق یکی شدن و پیوند با جنبش کارگری در این راه همه جانبه تلاش کنند . چون انجام چنین وظیفه سترگ ، سخت و بغرنج تنها به دست طبقه کارگر ایران و وسیعترین اقشار ستم دیده و استثمار شده از کلیه ملیت های ایران میسر است . این طبقه، نه تنها تولید کننده و سازنده تمام احتیاجات زندگی مردم اند ، نه تنها اکثریت جمعیت کشور را تشکیل می دهند بلکه در تغییر انقلابی جامعه و رهائی اکثریت عظیم توده ها هیچ چیزی از دست نمی دهد جز زنجیر های بردگی به صاحبان سرمایه و قدرت نظامی – مذهبی ستمگر و جنایتکار حاکم ، اما همه چیز به دست می آورد و به گفته انترناسیونال : هیچ بودگان هر چیز گردند . تاریخ گواه بر این است که چنین وظیفه ای به آسانی به سر انجام نمی رسد

بگذارید مروری کوتاه به این واقعیت تاریخی کنیم :

صد سال تجربه مبارزه طبقه کارگر و کمونیست های ایران و نزدیک دو قرن مبارزه جهانی طبقه کارگر چه قبل از آگاهی و چه بعد از انتشار مانیفست حزب کمونیست و ایجاد انترناسیونال اول نشان می دهد نظام های کهن و به ویژه نظام سرمایه داری سگ هفت جانی است که به آسانی نمی میرد . حتی در سرزمین هائی هم که سوسیالیسم به پیروزی رسید بار دیگر سرمایه داری آن را به شکست کشانید و بار دیگر به گسترش و سراسری شدن باز هم بیشتر خود ادامه داد . امروز پرولتاریای جهانی با این که قشونش به میلیاردها رسیده است ، با این که در پاره ای از کشورها توانسته همچنان دستاورد های اجتماعی، حقوقی و اقتصادی خود را تا اندازه ای حفظ کند اما در میزان جهانی همچنان طبقه ایست ستمدیده، شدیداً استثمار زده و برای لقمه ای نان خانوادهایشان مستأصل . چرک و خونی که از پنجه های سرمایه می چکد را دیگر مارکس وانگلس نیستند ببینند، اما میلیارها انسان زحمتکش با پوست و گوشت خود این واقعیت را امروز حس می کنند و حتی بیل گیت هم به بن بست رسیدن جامعه سرمایه داری اقرار دارد . مع الوصف همچنان سرمایه داری از این بحران به بحرانی دیگر خود را می کشاند و جزا گندیده اش در خیابان ها افتاده است ! کو آن

حزب انقلابی سیاسی پیشرو طبقه کارگر، بلشویک های قرن بیست و یکم، همبستگی جهانی کارگران که خیزش میلیونی زحمتکشان وتوده ها را در به گور سپردن سرمایه داری هدایت کند..

بر ماست با دیدی آموزشی به گذشته برگردیم، از موضع استوار طبقاتی و شیوه ای علمی کند و کاو کنیم که چرا راه پیروزی سوسیالیسم و کمونیسم آنقدر سخت، پیچیده و بغرنج و نسبتن طولانی شده است. چرا پیش بینی مارکس که انقلاب کارگری از انگلیس آغاز می شود، تحقق نیافت و چرا انقلاب در کشوری با اکثریت دهقانی روسیه تزاری به پیروزی رسید و پس از آن بازم پیش بینی انقلابات دیگر کشور های اروپائی به ثمر ننشست و مجبور شدند برای ادامه انقلاب جهانی رو به خاور کنند و برای نجات انقلاب کشور شوراهای متحدین نوینی از کشور های مستعمره و نیمه مستعمره جست و جو کنند؟! تازه آنجا هم که سوسیالیسم به پیروزی رسید دائمی نشد و سرمایه داری از درون نظام سوسیالیستی را چون خوره خورد و پوساند و آن را سرنگون کرد؟ چرا کمونیست های ایران با این که با سربلندی در اوائل قرن پیش حزب کمونیست را بنیاد گذاشتند، با این که نسل اندر نسل به مبارزه ادامه دادند امروز همچنان پراکنده و در سیاست عمومی کشور به حساب نمی آیند؟

امروزه سرمایه داری جهانی در هیبت انحصارات گول پیکر و با قدرت های سیاسی حاکم امپریالیستی همچنان با هرگونه گرایش کارگری و کمونیستی مخالفت می ورزد و به هر وسیله ای که شده از به قدرت رسیدن این طبقه جلوگیری می کند و چنانچه به قدرت رسد برای بازگشت آنها به سرمایه داری در آسمان و زمین، پنهان و آشکار برنامه می ریزد و عملی می کند. با روی کار آمدن ترمپ حتی خط رشد گرایش فاشیست ضد کمونیستی بیشتر شده است، بنابراین طبقه کارگر با دشمنی سرسخت، ماهر و تجربه دار در جنگ طولانی روبه روست. ضروریست خوب دشمن را و امکانات دشمن را بشناسد، به مبارزه ای مشت در برابر مشت بپردازد، از نیروی پراکنده کنونی به نیروی آگاهتر، منسکل تر و فشرده تر تبدیل شود تا در نبرد های اجتماعی، اقتصادی - سیاسی و نهایتاً نظامی از کوچک به بزرگ و از ضعیف به قوی تبدیل شود. این کار میسر نیست مگر با داشتن حزبی سیاسی پیشرو طبقه کارگر که با بهترین عناصر انقلابی کارگری، استخوانبندی تشکیلاتی محکمی را در کارخانه و تمرکز کارگران به وجود آورد. چنین حزبی ضروریست بر اساس اصول تجربه شده تا به حال پیروزمند بلشویکی که توانستند کارگران و توده های وسیع مردم را بسیج و منسکل سازند و دشمنان طبقاتی قوی خود را در هم شکنند، بنیاد گذارده شود و تکامل یابد. اکنون جنبش کارگری توانای در حال رشد ایران فاقد چنین حزبی است اما احزاب و سازمان ها و کمونیست های منفرد هستند که با کوله باری از تجربه مبارزاتی به عنوان خاطره جمعی می توانند نقش مثبتی بازی کنند و چنانچه براساس اصول و برنامه با هم یکی شوند به نیروی پر قدرتی برای ایجاد یک حزب مؤثر در پیوند با طبقه کارگر و هدایت جنبش کارگری تبدیل گردند. بیش از نیم قرن مبارزه همه جانبه ایدئولوژیک در جنبش کمونیستی ایران و جهان به ویژه روشن شدن مبارزه میان دو خط مشی در درون احزاب و جنبش کمونیستی اساس مانیفست کمونیستی نوینی ریخته شده است.

درد کمونیست ها همگانی است چون درد طبقه کارگر همگانی است و رهائی اش در گرو رهائی کل جامعه از یوغ نظام جهانی سرمایه است. کمونیست ها باید یکی شوند و با پیوند فشرده با طبقه کارگر و رویاندن ریشه های عمیق تشکیلاتی در میان آنها به طوری که استخوانبندی اساسی کمونیستی را استوار سازد، کادر های پیشرو، با درایت، از خود گذشته کارگری را به جنبش تاریخی کارگران عرضه دارد تا از این طریق شرائط برای بسیج و منسکل کردن وسیع ترین و عظیم ترین نیروی مردمی را به وجود آورد و در عمل نیروهای انقلابی را به نیروئی شکست ناپذیر تبدیل کرد. این تنها راه و تنها بدیلی است که پیروزی یک انقلاب عمیق اجتماعی راتضمین می کند. این واقعیت های

تاریخی که پراتیک اجتماعی جوامع گوناگون گواهی سترگ بر صحت آنان است به چه معنا است. آیا آنطور که صاحبان سرمایه و ایدئولوگ های بورژوازی مدعی شده اند به پایان تغییرات اجتماعی رسیده ایم و نظام سرمایه داری ختم نظام های اجتماعی است؟ آیا آنطور که رویونیست ها و رفرمیست های خزیده در جنبش کارگری مدعی اند کمونیسم قابل رسیدن نیست و باید راه میانه را رفت، سازش طبقاتی را در پیش گرفت و در خدمت سرمایه پنجه های سرمایه داری را لطیف و نرم جلوه داد؟ آیا باید در خوش خدمتی سرمایه جهانی دست به نفی کلیه دستاورد های پرولتری زد و با سیاهکاری کل اندیشه های انقلابی کمونیسم علمی را زیر سؤال برد؟ پاسخ به این نظرات منفی است.

سرمایه داری با تمام وسائلی که به چنگ آورده بنا بر ماهیتش که کارل مارکس داهیانه دو قرن پیش شناساند بحران زاست و امروز همچنان با بحران ساختاری روبه روست. انحصارات به عنوان مرحله ای از تمرکز سرمایه نه تنها بحران عمومی سرمایه را حل نکرده بلکه بر شدت آن افزوده است. امروز سراسر جهان را رقابت های انحصارات مالی سرمایه داری فراگرفته و هرج و مرجی خانمان برانداز تر از هر زمان به وجود آورده است خطر فاشیسم و جنگ جهانی هر روز بیشتر می شود. با بحران ساختاری و خیزش دائمی جنبش های خیابانی دوران نوینی در مبارزات توده ئی که ماهیتی ضد سرمایه داری دارند به وجود آمده و گرایش های منفی باقی و انحلال طلبی را هر روز بیشتر به عقب می راند. بار دیگر در جهان کشور ها در برابر ابر قدرت ها و جریان چپاول انحصارات امپریالیستی برخاسته اند. بار دیگر خلق های ستمدیده و زیر سلطه برای رهائی از قدرت های محلی و امپریالیستی پشتیبان و برای دمکراسی دست به مبارزه زد.

اما آنچه بر جسته تر دیده می شود، آنچه توفنده تر و پر قدرت تر است جنبش کارگران وزحمتکشان، جنبش زنان و دانشجویان و... از پائین از قعر اجتماع است که رادیکال تر و وسیع تر در حال بر خاستن است. آنها انقلاب می خواهند.

در اوضاع کنونی جهان و ایران کمونیست ها باید با نوسازی دائمی خود و با آموزش از اوضاع در حال تغییر جهان به ویژه ایران از طریق یکی شدن و پیوند با جنبش کارگری بدیل سوسیالیستی را به پرچم راستین انقلابی توده ئی هم در براندازی نظام حاکم سرمایه داری اسلامی و هم ضد امپریالیستی و ضد جنگ و دخالت خارجی زیر لوای رژیم چنج سیا، تبدیل سازند. تنها از طریق سازماندهی و متشکل شدن توده ها و با اتکاء به نیروی خود است که قدرت نظامی - مذهبی که در این چهار دهه به زور وزندان و اعدام استقرار یافته را می توان به زیر کشید، بیگانگان جنگ طلب و رژیم چنجی را هم خلع سلاح کرد و انقلابی را که کمترین درد و ویرانی برای جامعه در حال انفجار دارد به سر انجام رساند.

راه حل اصلاح طلبان داخل و خارج نظام چهل سال توهم کشنده را برای تغییر در میان توده ها پراکندند و به تداوم نظام خدمت کردند ورهبران شان حتی تا به حال به نادرستی تلاش عبث خود اعتراف نکرده اند، بدیل مجاهدین ماجراجویی در داخل و در یوزگی و وابستگی در خارج از صدام به ابن سعود و امروزه به ترمپ هم نتیجه ای جز شکست و به هدر رفتن خون زیادی از جوانان نداشته است، چهل سال فراریان ترسوی محمد رضا شاهی که در پی رژیم چنج امریکائی روز شماری کرده اند و امروزه ناسیونالیسم تنگ نظریه ای را تبلیغ می کنند شکست خوردگان قدیم اند که بازگشت به استبداد مورثی را آرزو دارند.

تنها یک شا هراه درست موجود است:

راه طبقه کارگر، راه اتکاء به نیروی لایزال توده ها، راه استقلال از ابر قدرت ها، راهی با هدف انقلابی سوسیالیستی و این راه با گسترش وسیع ترین آزادی های سیاسی و اجتماعی و در برگیرنده اکثریت عظیم توده های ستمدیده و استثمار شده، تنها راه برون رفت از بحران عظیم کنونی ایران است که می تواند به سود پیشرفت و ترقی مردم ایران و منطقه و صلح جهانی باشد

دیلم - دوم ماه جون ۱۸